

پارادایم‌های دوگانه در گفتمان‌های رسانه‌ای برجام

پویا نعمت‌اللهی^۱ / محمدرضا رسولی^۲ / سیدمحمود نجاتی حسینی^۳

تاریخ دریافت مقاله: آذر ۱۳۹۹ تاریخ پذیرش نهایی: تیر ۱۴۰۰

چکیده

این پژوهش بر اساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه، نظام‌های معنایی دو گفتمان «رسمی/دولتی» و «محافظه‌کاری» و پیکارهای گفتمانی آن‌ها پیرامون برجام و فرآیندهای حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی گفتمان رسانه‌ای آن‌ها را از طریق دو قطبی‌سازی آشکار ساخته است. محتواهای شش رسانه برای هر گفتمان در دوره‌ی ۱۳۹۴ لغایت ۱۴ آبان ۱۳۹۷ در دو سطح خرد و کلان بررسی شد. در سطوح کلان، بر مبنای نظریه‌ی گفتمان و در سطوح خرد تحلیل متن بر اساس دو قطبی‌ها به مثابه‌ی سامانه‌ی نشانگانی مجزا صورت گرفت. تعداد ۷ دوگانه (دو قطبی) در دو گفتمان رسانه‌ای این پژوهش شناسایی شد. مفصل‌بندی گفتمان‌ها در متون رسانه‌ای معطوف به بازنمایی دو قطبی از «برجسته‌سازی خود» و «حاشیه‌رانی دیگری» همراه است.

گفتمان رسمی/دولتی وقته‌ی «رفع تحریم‌ها» و دوگانه‌های «توافق خوب/توافق بد» و «شفافیت/ارانت» را به میدان می‌آورد. گفتمان محافظه‌کاری نیز وقته‌های ایدئولوژیک تعریف کرده و دال‌های مرکزی خود را معطوف غیریت‌سازی می‌کند تا سیطره‌ی هژمونیک دوگانه‌های گفتمان رقیب در قالب «تعامل سازنده» و دوگانه‌ی «تعامل/تقابل» را بشکند. گفتمان رسمی/دولتی از طریق دال‌های تهی قصد دارد نظام معنایی گفتمان خود را مفصل‌بندی کند. هر دو گفتمان دال‌های موجود حوزه‌ی گفتمان‌گونگی رقیب را با هدف ایجاد دو قطبی استخدام کرده‌اند. بعد از تهدید برجام، هر دو گفتمان دال‌های شناور را به خدمت گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: نظریه‌ی گفتمان، برجام، دوگانه‌سازی، پارادایم، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی.

۱- گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲- گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، پست الکترونیک: moh.rasouli@yahoo.com
۳- گروه علوم ارتباطات اجتماعی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسأله

برجام و داوری آن به منبع اصلی دو قطبی‌سازی سیاسی در ایران تبدیل شده است (کریمی، ۱۳۹۵: ۲۱۹). در تیرماه ۱۳۹۴ توافق «برجام» برای پایان دادن به تنش‌ها بر سر برنامه‌ی هسته‌ای ایران فی‌مابین ایران و گروه ۵+۱ حاصل شد. بعد از روی کار آمدن ترامپ در سال ۱۳۹۵ وی نهایتاً در اردیبهشت ۱۳۹۷ کشورش را از برجام خارج کرد. در حالی که برجام از منظر یک گفتمان سیاسی عامل پیشرفت، خروج از انزوا و حل مشکلات اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشور از طریق پاره‌شدن زنجیره‌ی تحریم‌ها است، اما گفتمان مقابل برجام را پروژه‌های در راستای تضعیف حاکمیت، اعطای امتیازات یکطرفه و بازشدن دریچه‌ی نفوذ ارزیابی می‌کند. این دو گفتمان به ترتیب با عناوین «رسمی/دولتی» و «محافظه‌کار» معرفی شده‌اند. اساساً نظام‌های گفتمانی حاکم بر جامعه، تلاش دارند از طریق محصولات رسانه‌ای خود، نسبت به تقویت و بازتولید نظام گفتمانی حاکم بر جامعه اقدام نمایند. این مقاله به دنبال شناسایی فرآیندهای «حاشیه‌رانی دیگری» و «برجسته‌سازی خود» در متن پیکار گفتمانی بر سر برجام است که در عرصه‌ی زبان و گفتمان رسانه‌ای آن‌ها جریان دارد. هر دو گفتمان، این سازوکارها را با استفاده از ایجاد تقابل به شکل قطبی‌سازی در سطح رسانه‌ها پیشبرده و بدین منظور سامانه‌ی نشانگانی مختص به خود را از حیث مفصل‌بندی و نظام معنایی ارائه داده‌اند.

پژوهش حاکی از فرآیند ناقص جامعه‌پذیری برجام در حوزه خبررسانی بوده است. بدین ترتیب که روزنامه کیهان کاملاً در جهت منفی، تیتورها و اخبار برجام را پوشش داده و همشهری نیز رویکردی کاملاً خنثی در پیش گرفته و روزنامه اعتماد عملکردی نسبتاً مثبت در جهت جامعه‌پذیری برجام داشته است. (کریمی فیروزجایی و حبیبی، ۱۳۹۷) در مقاله‌ی «تحلیل گفتمان دیدگاه‌های رهبران ایران و آمریکا درباره‌ی برجام» با استعانت از رویکرد فرکلاف نشان می‌دهند که میان ایدئولوژی و زبان و میان کاربرد زبان و روابط سیاسی اجتماعی رابطه‌ی متقابل وجود دارد و زبان علاوه بر شکل‌پذیری از روابط سیاسی، می‌تواند ابزار تأثیرگذاری در شکل‌دهی به روابط قدرت و تعاملات سیاسی باشد و رهبران دو کشور تلاش کرده‌اند از توانایی‌های ادبی و زبانی خود برای تبیین دیدگاه‌های خود استفاده کنند. (کلاتتری درهرنجی، ۱۳۹۵) در پایان‌نامه‌ی کارشناسی‌ارشد خود در دانشگاه سیستان و بلوچستان با عنوان «تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌ی جامع اقدام مشترک در عناوین برگزیده‌ی روزنامه‌های داخل در سال ۱۳۹۴ بر اساس الگوی ون‌لیون» با روش توصیفی تحلیلی به بررسی مسأله‌ی برجام می‌پردازد. نتایج پژوهش مشخص می‌کند که روزنامه‌های داخلی برای انعکاس خبرها به نوعی دیدگاه و ایدئولوژی صاحبان قدرت و عوامل رسانه‌ای را به صورت پنهان در عناوین روزنامه‌ها لحاظ می‌کنند.

روش‌شناسی

گفتمان به مثابه‌ی نظریه؛ نظریه‌ی گفتمان لاکلائو و

موفه: «نظریه‌ی گفتمان با این مفروض اساسی آغاز می‌گردد که همه‌ی ابژه‌ها و کنش‌ها معنایند هستند و معنای آن‌ها محصول نظام‌های مشخصی از قواعد است (Howarth, 2000: 8). لاکلائو و موفه در مقاله‌ی «پسامارکسیسم بدون پوزش‌ها» گفتمان را مجموعه‌ای از عناصر زبانی و غیرزبانی می‌دانند که در کنار یکدیگر قرار دارند (Laclau and Mouffe, 1987: 82). از نظر این دو اندیشمند، گفتمان تأکیدی است بر این واقعیت که پیکره‌بندی اجتماع، دارای معنا است. جهان اجتماعی محصول گفتمان‌ها بوده و کنش انسان‌ها نیز متناسب با این حقیقت تولید می‌شود (مقدمی، ۱۳۹۰: ۹۲).

حوزه‌ی اجتماع، شبکه‌ای از فرآیندها است که معناها درون آن خلق می‌شود. خلق معنا به مثابه‌ی یک فرایند اجتماعی شامل عمل تثبیت معناست و این تثبیت به واسطه‌ی مفصل‌بندی بین مفاهیم یا نشانه‌ها (دال‌ها) انجام می‌شود. به یک معنا «تغییر در گفتمان سبب تغییر در کل نظام اجتماعی می‌شود. لذا نزاع‌های گفتمانی

مرور پیشینه‌ی پژوهش

(مظفری، ۱۳۹۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل زبان شناختی بازتاب برجام در گفتمان‌های رقیب بر اساس رویکرد انتقادی فرکلاف» با هدف آشکارسازی روابط پنهان قدرت و ساخت‌های زبانی ایدئولوژیک موجود در متون زبانی در چارچوب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی بازتاب برجام در دو روزنامه‌ی کیهان و شرق (دو گفتمان اصول‌گرا و اصلاح‌طلب) می‌پردازد. پژوهش‌گر به این نتیجه رسیده که هر دو گفتمان رقیب در متون تولیدشده خود کوشیده‌اند با بهره‌گیری از استراتژی‌های زبانی به تخریب وجهه‌ی گفتمان رقیب بپردازند.

(رفعتی و همکاران، ۱۳۹۷) در مقاله‌ی «موضع‌گیری رسانه‌های جریان اصلی در جامعه‌پذیری برجام» به بررسی موضع‌گیری رسانه‌های جریان اصلی (روزنامه‌های کیهان، اعتماد و همشهری) در جامعه‌پذیری برجام پرداخته‌اند. سؤال اصلی پژوهش به این مسأله می‌پردازد که آیا این رسانه‌ها در بازتاب‌های خبری خود در جهت جامعه‌پذیری برجام گام برداشته‌اند یا خیر؟ نتایج حاصل از

مفهوم غیریت^{۱۰} و ضدیت^{۱۱} (آنتاگونیسم) کارکرد بسیار مهمی در نظریه‌ی گفتمان دارد. لاکلاو و موفه در مقدمه‌ای که به مناسبت ویراست سال ۲۰۰۱ کتاب‌شان نوشته‌اند می‌گویند: «این آنتاگونیسم‌های اجتماعی است که مرزهای درون جامعه را ترسیم می‌کند». به باور آن‌ها آنتاگونیسم یا تخصم، مرزهای سیاسی یا حدود صورت‌بندی اجتماعی را فاش می‌کند (Laclau and Mouffe, 1985/2001: xiv).

مفهوم «بیرون سازنده»^{۱۲} نیز در همین چارچوب مورد توجه قرار می‌گیرد که با مفاهیم دوگانه‌ی «هم‌ارزی» و «تفاوت» گره خورده است. منطق هم‌ارزی به مثابه‌ی «منطق ساده‌سازی فضای سیاسی» و منطق تفاوت به مثابه‌ی «منطق بسط و ازدیاد پیچیدگی» محسوب می‌شود (Laclau and Mouffe, 1985, 130).

لاکلاو در کتاب «رهایم‌بخش‌ها» (۱۹۹۶) می‌گوید که دال‌های تهی غایب هستند و بازنمایی از وضع آرمانی و مطلوب را برعهده دارند و «یک تمامیت غایب هستند» (Laclau, 1996: 42) که بی‌قرارشدن گفتمان‌ها باید از طریق این دال‌ها بازنمایی شوند. مفهوم قدرت در نزد لاکلاو چیزی همچون ردپای امکانیت و محتمل‌الوقوع بودن است. قدرت و عینیت مترادف^{۱۳} هستند (Laclau, 1990, 60).

به بیان دیگر «قدرت از منظر لاکلاو و موفه عبارت است از قدرت تعریف‌کردن و تحمیل‌کردن این تعریف در برابر هرآنچه که آن را نفی و طرد می‌کند» (کسرای و پوزش شیرازی، ۱۳۸۸، ۳۵۲).

مفهوم غیریت در ذات خود با مفاهیم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی همراه است. گفتمان‌ها به واسطه فرایندهای برجسته‌سازی سعی می‌کنند نقاط قوت خود را برجسته کرده با به حاشیه راندن کاستی‌هایشان، خلاءها و ضعف‌هایشان را بپوشانند؛ همچنین نقاط قوت و برتری رقبا را به حاشیه برانند و نقاط ضعف آن‌ها را برجسته سازند. در واقع، هویت‌های گفتمانی به واسطه‌ی غیریت‌سازی، و غیریت‌ها نیز به نوبه‌ی خود با استفاده از مکانیسم طرد و برجسته‌سازی شکل می‌گیرند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

به ایجاد، تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود» (حسینی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۸۲).

«هر پراکنشی را که منجر به برقراری رابطه‌ای بین عناصر شود به گونه‌ای که هویت عناصر دچار تغییر و تبدیل^۱ شود، با عنوان مفصل‌بندی^۲ می‌نامیم. کلیت ساخت‌مند ناشی از این پراکنش مفصل‌بندی را با عنوان «گفتمان» می‌شناسیم. یک سری جایگاه‌ها و مواضع افتراقی^۳ حاصل می‌شود. این جایگاه‌ها مادامی که در درون یک گفتمان مفصل‌بندی شده باشد را «وقته»^۴ نامیده و متقابلاً هر جایگاه تفاوت را که در مفصل‌بندی گفتمان شرکت نداشته باشد، «عنصر»^۵ می‌نامیم (Laclau and Mouffe, 1985: 105).

بدین ترتیب «کلیت یک گفتمان بر مبنای روابط و پیوندهایی تشکیل می‌شود که بین عناصر مختلف و از خلال عمل مفصل‌بندی ایجاد می‌شوند» (خویی، ۱۳۹۵: ۲۲۰).

نشانه‌ها برحسب رابطه‌ای که با سایر دال‌ها و مدلول‌ها در نظام زبانی دارند، معنا و هویت متفاوتی به خود می‌گیرند. هسته‌ی مرکزی منظومه‌ی گفتمانی را دال مرکزی تشکیل می‌دهد و جاذبه‌ی این هسته، سایر نشانه‌ها را جذب کرده و «تثبیت نسبی حاصل می‌آورد» (Laclau and Mouffe, 1985: 112).

بدین ترتیب کارویژه‌ی اصلی مفصل‌بندی آن است که عناصر را به وقته‌ها تبدیل کند.

برخی مؤلفه‌های نظریه‌ی گفتمان: هر نشانه یا دال ممکن است چندین معنا داشته باشد. مفصل‌بندی از طریق سازوکار «انسداد»^۶ اجازه‌ی عبور برخی معناها را می‌دهد و برخی دیگر از معناها را «طرد»^۷ می‌کند. «هرمعنای احتمالی نشانه‌ها که از گفتمان طرد شود، در حوزه‌ی گفتمان‌گونگی^۸ جمع می‌شود» (لاکلاو و موفه، ۱۳۹۲، ۱۸۲).

اما این فرآیند دائمی نیست و گفتمان‌ها به بلای معانی متکثر دچار هستند (Jorgensen and Philips, 2002: 28).

دال‌های شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف برای استخدام آن‌ها با یکدیگر رقابت کرده تا معناهای خاص خود را به آن‌ها منتسب نمایند. اگر معنای تثبیت‌شده‌ی وقته‌ها در درون گفتمان دچار تزلزل شود؛ آنگاه گفتمان در ورطه‌ی بی‌قراری^۹ یا ازجاشدگی می‌افتد.

^۸. Field of Discursivity

^۹. Dislocation

^{۱۰}. Otherness

^{۱۱}. Antagonism

^{۱۲}. Constitutive Outside

^{۱۳}. synonymous

^۱. Modify

^۲. Articulation

^۳. Differential positions

^۴. Moment

^۵. Element

^۶. closure

^۷. Exclusion

گفتمان می‌تواند در قالب باورهای اصول‌گرایی و همچنین سایر بخش‌های حاکمیتی حضور داشته باشد. عنوان «محافظة کار» برای توصیف تمامی آن‌ها به کار می‌رود و اشتراک آن‌ها صف‌آرایی در مقابل گفتمان رسمی/دولتی است.

برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در زبان: برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شیوه‌های برای حفظ خود و استمرار قدرت است (سلطانی، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

بنابراین توسل به این سازوکار می‌تواند در شکل و قالب زبانی تعریف شود. دو قطبی‌سازی در داخل متن اتفاق می‌افتد. برجسته‌سازی یک جور افزایش ثبات هویت خودی از طریق تعاریف خاص مفاهیم و نشانه‌های گفتمانی و برقراری ارتباط میان دال‌ها و مدلول‌ها و آنگاه برقراری اجماع بر سر آن‌ها است. حاشیه‌رانی را می‌توان ضعیف جلوه‌دادن «دیگری» تعبیر کرد. این دو در واقع شیوه‌هایی برای استمرار قدرت و هژمونی گفتمان است.

نمونه‌ها و دوره‌های زمانی: دوره‌ی زمانی این پژوهش از ابتدای سال ۱۳۹۴ (سال امضا و اجرای برجام) لغایت ۱۴ آبان ۱۳۹۷ (آغاز تحریم‌های هدفمند آمریکا بعد از خروج از برجام) است. برای گفتمان محافظه‌کاری جمعاً ۴۷۸ نمونه از محتواهای منتشره در شش منبع شامل خبرگزاری فارس، خبرگزاری تسنیم، سایت مشرق‌نیوز، روزنامه‌ی کیهان، سایت شخصی سعید جلیلی (به عنوان مهم‌ترین حامل گفتمانی هسته‌ای این طیف سیاسی) و توییت‌های^۱ منتشره در فضای توئیتر استخراج شدند. برای گفتمان رسمی/دولتی نیز جمعاً ۴۳۷ نمونه از محتواهای منتشره در شش منبع شامل خبرگزاری ایرنا، خبرگزاری ایلنا، روزنامه‌ی شرق، روزنامه‌ی اعتماد، سایت عصر ایران و توییت‌های منتشره در توئیتر استفاده شده است. برای توییت‌ها با توجه به شمار زیاد آن‌ها، از روش انتخاب تصادفی بهره گرفته شده است. بقیه‌ی محتواهای رسانه‌ای به لحاظ دربردارندگی و غنای محتوایی مربوطه، بررسی شده و نسبت به انتخاب غنی‌ترین نمونه به شکل هدفمند اقدام شده است.

تحلیل داده‌ها

گفتمان رسانه‌ای و منازعات گفتمانی پیرامون برجام: هرگونه دو قطبی‌سازی با هدف چیرگی معنا در داخل بافت گفتمانی و از طریق کنش‌گری رسانه‌ای صورت می‌گیرد. رسانه‌ها نقش ابزارهای تبلیغاتی سیاسی جناح‌های سیاسی را بازی کرده و تلاش دارند افکار عمومی را به سمت حمایت از خط‌مشی‌های خود هدایت

پارادایم شناسی: کوهن در کتاب معروف خود به نام «ساختار انقلاب‌های علمی» پارادایم را دستاوردهای مورد قبول قرارگرفته‌ی عمومی می‌داند که در دوره‌هایی از زمان مسائل نمونه و راه‌حل‌های آن‌ها را برای جامعه‌ای از مشتغلان به علوم فراهم می‌آورد (کوهن، ۱۳۶۹: ۱۲).

به عبارت دیگر «به تمامی یک نظام فکری اطلاق می‌شود که دربرگیرنده‌ی مجموعه‌ای از بینش‌ها، نظریه‌ها، روش‌های تحقیق و تکنیک‌ها است و در واقع پارادایم آن چیزی است که اعضای یک جامعه‌ی علمی با هم و هرکدام به تنهایی در آن سهیم هستند» (رسولی، ۱۳۹۶: ۱۰۲).

بدین اعتبار پارادایم مجموعه‌ای از مفهومی‌ها، قضیه‌ها و اصل‌هایی است که چگونگی ساخته‌شدن نظریه‌ها و انجام پژوهش را مشخص می‌سازد ضمن آنکه ریشه در شرایط اجتماعی دارند و اندیشه‌ورزان یک حوزه‌ی مشخص از علم با تعهد به آن، می‌کوشند فعالیت‌های خود را در یک چارچوب خاص پیش برده و قوانین علمی دقیق‌تری را تنظیم کنند.

شیوه‌ی اجرا

سطوح کلان و خرد: تحلیل گفتمان برای شناخت پیام و معنای به کار رفته در پیام‌های رسانه‌ای کاربرد دارد. در سطح کلان، گفتمان‌های این پژوهش بر مبنای نظریه‌ی گفتمان لاکلاو و موفه تحلیل شده است. در سطوح خرد نیز تحلیل متن بر اساس دو قطبی‌های شناسایی‌شده در محتواهای رسانه‌ای انجام می‌شود. چرا که از لاکلاو و موفه دستورالعملی برای انجام تحلیل گفتمانی ارائه نشده و لازم است ضمن استخراج مؤلفه‌های این نظریه، صورت‌بندی جدیدی از آن‌ها ارائه شود (کوثری و مولایی، ۱۳۹۱: ۹۷).

در تحلیل سطوح خرد، هرکدام از دو قطبی‌ها همچون سامانه‌ی نشانگانی مجزایی لحاظ شده تا سطوح واژه، جمله، ساختار متن، اصطلاحات و نهایتاً معناها در تعامل بایکدیگر دیده شوند و از این طریق بافت اندیشه‌ای یک گفتمان فهم شود. تحلیل سامانه‌ی نشانگانی هر دو قطبی به کمک نظریه‌ی گفتمان درمی‌آید تا تحلیل خرد را در سطح کلان معنادارتر کند.

شناسایی گفتمان‌های متخاصم: در این پژوهش دو گفتمان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. گفتمان اول در قالب گفتمان «رسمی/دولتی» معرفی می‌شود. در دولت حسن روحانی بازیگران پرونده‌ی هسته‌ای تماماً «دولتی» و مقامات «رسمی» دولتی هستند. استفاده از «دولت» ناظر بر «زمان» نیست بلکه منظور از آن، یک گفتمان مشخص است. همچنین «دیگری» یا «غیر» این

۱. توئیتر یک رسانه‌ی اجتماعی است و به هیچ گفتمان خاصی تعلق ندارد. در این پژوهش، ابتدا هشتگ برجام (#برجام) به جست‌وجو گذاشته شد و سپس

۱. توئیتر یک رسانه‌ی اجتماعی است و به هیچ گفتمان خاصی تعلق ندارد. در این پژوهش، ابتدا هشتگ برجام (#برجام) به جست‌وجو گذاشته شد و سپس

کنند. در این میان قابلیت‌های پارادایم‌سازی به کمک این دوگانه‌سازان آمده است. چه چیزی می‌تواند عامل انسجام، ارتباط، قضاوت درون‌گروهی و رفتارهای دیگر افراد در یک گفتمان مشخص شود؟ کوهن در ابتدا پارادایم را به عنوان پاسخ ارائه می‌دهد اما به تدریج از عبارت «ماتریس تعلیمی»^۲ یاد می‌کند که همان خصوصیت عمومی افراد یک حوزه و رشته‌ی خاص است که پیوستگی و همستگی و ارتباط را در درون آن جامعه‌ی علمی پدید می‌آورد (آزاد ارمکی، ۱۳۷۲: ۳۳).

به زبان گفتمانی، این پارادایم است که موقعیت سوژه‌ای را در درون آن اجتماع تعیین کرده و افراد را وامی‌دارد تا رفتارها و گفتارها و باورهای خود را متناسب با آن مواضع اتخاذ نمایند. لذا گفتمان‌ها همواره سوژه‌ها را در موقعیت‌های دو قطبی قرار می‌دهد و آنگاه سوژه طبعاً رفتارها و پرکتیس‌های خود را در قالب «خودی و غیرخودی» متجلی می‌سازد.

بحث و نتیجه‌گیری

نمی‌توان انکار کرد که حیات بسیاری از جریان‌های سیاسی و احزاب، وابسته به ایجاد، تثبیت و حفظ انواعی از پارادایم‌های دو قطبی است که در شکل‌هایی نظیر «خودی/ناخودی»، «ما/آن‌ها»، «دوست/دشمن» متجلی می‌شود. این جریان‌ها بدون حضور دو قطبی‌های مذکور فاقد کارایی مشخص خواهند بود، چرا که این موقعیت «فضا را کاملاً احساسی کرده و فرصت تعقل و تفکر را از افراد می‌گیرند. این دو قطبی‌ها معمولاً کاذب هستند و نیازهای واقعی را شکل نمی‌دهند اما باعث تولید هیجان می‌شود (اربابی، ۱۳۹۶: ۹۵). به طور کلی امر سیاسی مبتنی بر کثرت، تفاوت و تخالف است. «سیاست وقتی معنا پیدا می‌کند که دگری و دگراندیشی وجود داشته باشد. وقتی یک گفتمان مسلط و دامن‌گستر می‌شود و تمام ساحت سیاست را پوشش می‌دهد، آن وقت سیاست می‌میرد. سیاست همواره احتیاج به فضای کنشگری، فضای خالی و فضاهای متکثر و متنوع نیاز دارد» (تاجیک، ۱۳۹۸: ۲).

بررسی محتواهای رسانه‌ای دو گفتمان اصلی سیاسی کشور در دوره‌ی مورد بررسی این پژوهش، حاکی از ایجاد و تعریف پارادایم‌های دو قطبی متعددی است.

دوگانه‌ی مقاومت/سازش: دال گفتمانی «مقاومت و بازدارندگی» در کوران رقابت‌های انتخاباتی ۱۳۹۲ با عنوان گفتمان مقاومت به میدان آمد و شکست سنگینی خورد. واضعان پارادایم مقاومت اعتقاد دارند دو رویکرد کلی در عرصه‌ی سیاسی کشور با

کند. این پژوهش قصد دارد پارادایم‌های دو قطبی مشخصی که از سوی دو گفتمان اصلی کشور از ابتدای سال ۱۳۹۴ لغایت نیمه‌ی آبان ۱۳۹۷ پیرامون موضوع برجام بر ساخته شده است را بررسی و شناسایی کند. این دو قطبی‌سازی‌ها در واقع نوعی ابزار برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی هستند. برجام در درون سپهر گفتمان‌های سیاسی کشور، نوعی «خودی‌انگاری» و «دگرسازی» سیاسی عمیق ایجاد کرد که این رقابت به متن رسانه‌های هوادار این گفتمان‌ها کشیده و منجر به شکل‌گیری مفصل‌بندی گفتمانی خاصی شد. این پژوهش در راستای شناسایی و تحلیل همین مفصل‌بندی‌ها صورت گرفته است.

پارادایم‌های دوگانه (دو قطبی) سازی

سطح کلان: دوگانه‌سازی در عرصه‌ی گفتمان: سیاست آوردگاهی است که در آن معنایی در قالب دوگانه‌های متعارض به معرض نمایش درمی‌آید تا از این طریق مشروعیت و غیریت ایجاد گردد. گفتمان عامل تعیین‌کننده سوژگی است. لا کلاو و موفه به موقعیت‌هایی باور دارند که طی آن افراد از طریق این موقعیت‌ها می‌توانند یک سری مواضع سوژه‌ای^۲ برای خود تصاحب کنند. به تعبیر هوارث و استاوراکاکیس، این موقعیت‌های سوژگی قرار است هویت‌های ابژه‌ها و پرکتیس‌ها را به شیوه‌ی خاص و مدنظر گفتمان، معرفی و بازنمایی کنند (Howarth and Stavrakakis, 2000: 3).

اینجاست که عوامل رسانه‌ای گفتمان‌ها دست به ایجاد دو قطبی‌سازی و دوگانه‌سازی می‌زنند تا هویت پرکتیس‌ها را در قالب موردنظر خود ارائه دهند.

سطح خرد: دو قطبی‌سازی در عرصه‌ی متون رسانه‌ای:

رویکرد دو قطبی‌سازی یا دوگانه‌سازی یکی از تاکتیک‌های رسانه‌ای با هدف دست‌بردن در قواعد بازی و دستکاری در افکار عمومی برای برجسته‌سازی برخی مسائل و حاشیه‌رانی برخی دیگر از آن‌ها است. به تعبیر ون‌دایک استراتژی عام هر گفتمان چیزی جز تسلط و کنترل ذهن در قالب دو قطبی‌شدن ایدئولوژی‌ها در درون گروه‌ها نیست که ناظر بر تأکید «خوبی‌های ما و بدی‌های دیگران» و متقابلاً «کم‌رنگ کردن بدی‌های ما و خوبی‌های آن‌ها» است. (Van Dijk, 2015: 474).

از سوی دیگر دوگانه‌سازی نوعی تاکتیک پوشش خبری محسوب می‌شود. نیروهای سیاسی در بطن اجتماع با به کارگیری رویکرد دو قطبی‌سازی رسانه‌ای، دست به جنگ روانی می‌زنند تا از این طریق انرژی کنش‌گران اجتماعی را به سمت و سوی مدنظر خود هدایت

^۲. Disciplinary matrix

^۱. Determination

^۲. Subject Position

رسمی/دولتی در سیاست خارجی بر تعامل سازنده با جهان تأکید دارد و برجام اولین ثمره‌ی هژمونیک آن است. این گفتمان که تعامل سازنده را بهترین و کم‌هزینه‌ترین شیوه برای رفع مخاصمات هسته‌ای می‌داند، تصویب و اجرای برجام را به مثابه‌ی «تعامل در برابر تعامل متقابل و نه تخاصم متزاید» می‌داند. (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۲۲).

گفتمان رسمی/دولتی در سال ۱۳۹۴ مسیر رشد و ترقی کشور را در سایه‌ی رفع تحریم‌ها و آنگاه گشایش‌های اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن می‌داند. این دال مرکزی وظیفه‌ی بازنمایی آرمان‌گرایانه را بر دوش می‌گیرد چرا که هدف اصلی از مذاکرات، همانا رفع تحریم‌ها بوده که گفتمان مقابل هرگز موفق به اجرایی کردن آن نشده است. همچنین در حوزه‌ی گفتمان‌گونگی گفتمان محافظه‌کاری نگاه‌ها در حوزه‌ی سیاست‌ورزی معطوف شرق است. اما گفتمان رسمی/دولتی نسبت میان این دال‌ها و مدل‌ها را بی‌قرار کرده و ضمن پیوند به دال تعامل سازنده با جهان (که در گفتمان رقیب محلی از اعراب نداشت)، عملاً رابطه‌ی پدید آمده در گفتمان مقابل را سست می‌کند.

در گفتمان محافظه‌کاری به طور کلی دال‌های مرکزی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ و ۱۳۹۷-۱۳۹۶ در سطوح مختلف با گفتمان مقابل «غیریت‌سازی» می‌کند. دال مرکزی سال ۱۳۹۴ این گفتمان «بازرسی و نظارت» است که معتقد است مذاکره‌کنندگان امکان بازرسی‌های متعددی را ضمن توافق هسته‌ای برای طرف مقابل فراهم کرده است. از سوی دیگر این گفتمان با رویکردهای پذیرش و سازش (که در قالب برجام عینیت می‌یابد) دگرسازی ایجاد می‌کند. گفتمان محافظه‌کار مسیر جلوگیری از جنگ را سازش نمی‌داند بلکه تنها راه مقابله با آن خروج از انفعال در حوزه‌های مختلف و ایجاد بازدارندگی است.

دوگانه‌ی شفافیت - رانت: گفتمان رسمی/دولتی متوجه شده بود که مخزن اصلی ایجاد نظام معنایی برای وی، در حوزه‌ی گفتمان‌گونگی رقیب قرار دارد. برخی عناصر در این مخزن، عامل ایجاد بی‌قراری و ازجاشدگی بوده و لذا از سوی گفتمان رقیب به این مکان تبعید شده بودند. آنچه که گفتمان رسمی/دولتی و رسانه‌های هوادار به شدت به آن علاقه‌مند بودند، موضوع کاسبی با تحریم و رانت و فساد ناشی از آن بود. این دال (که منشأ و قالب دال تهی داشت) وجه تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد اهداف رسانه‌ای این گفتمان دارد و تمام رسانه‌های حامی نیز برجسته‌سازی آن را در دستور کار دارند. معناهای صریح و ضمنی متعددی در این دال موجود است. اینکه فساد و رانت‌های بزرگی به بهانه‌ی دوزردن

عناوین «سازش» و «مقاومت» حضور پررنگی دارد. «به باور رویکرد سازش، رمز ماندگاری انقلاب و جمهوری اسلامی در اتخاذ رویکرد همکاری با آمریکا است و گشایش اقتصادی و گام‌نهادن در مسیر توسعه‌ی سیاسی اقتصادی از طریق گفت‌وگو و تنش‌زدایی و تعامل با دنیای بیرون ممکن است. با این حال حامیان گفتمان مقاومت که جهان خارج را تنها در آمریکا و غرب خلاصه نمی‌کنند، معتقدند تعامل با غرب نه تنها در توسعه‌ی اقتصادی تأثیری ندارد بلکه با هجوم فرهنگی آن‌ها، ساختار اجتماعی کشور با مشکلات هویتی مواجه می‌شود» (حجت‌شمامی، ۱۳۹۷: ۱۳).

پارادایم مقاومت معتقد است در بحث برجام خط سازش در اوضاع نابرابر و شرایط فشار و تحریم به معنای تسلیم است و تجربه‌ی تاریخی حاکی است هر طرفی که مقاومت بیشتری کند، در درازمدت موفق‌تر بوده و مقاومت به پیشرفت منتهی می‌شود. لذا ایران بایستی بر مواضع خود پافشاری و مقاومت کرده و مؤلفه‌های اقتدار ملی و بازدارندگی دفاعی و امنیتی را به شکل فعالانه‌تری پیگیری کند. اما گفتمان رسمی/دولتی ضمن رد مفهوم سازش، هویت خود را به صورت نفی پادگفتمان‌های معارض آن یعنی گفتمان سازش یا گفتمان آرمان‌گرایی احساسی یا واقع‌گرایی انفعالی تعریف کرد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۵).

در این راستا گفتمان رسمی/دولتی متهم به پذیرفتن خواسته‌های دشمن و پرهیز از مقاومت و پافشاری است و بین این دو در چند مورد «هم‌آیی»^۱ مشاهده می‌شود. در واقع «هم‌آیی» زنجیره‌ای از واژه‌ها را توصیف می‌کند که معمولاً هم‌نشین شده و تشکیل یک سازه‌ی معنایی می‌دهند (پناهی، ۱۳۸۱: ۲۰۲).

برای مثال در کنار واژه‌ی «مقاومت» از ترکیب‌هایی چون «مقاومت ملی»، «صنعت ملی هسته‌ای»، «حقوق ملی»، «شأن ملی» استفاده می‌شود. این کار این هدف صورت می‌گیرد که مطالبات مرتبط با صنعت هسته‌ای و جوه ملی (یک مطالبه‌ی ملی) تعریف شود که لامحاله با کسب اعتبار در قالب گفتمان ملی‌گرایی، سطوح اقبال و هواداران گفتمان دچار افزایش کمی و کیفی خواهد شد و در فراگیری، هژمونیک‌سازی و عمومیت آن حائز تأثیر است.

دوگانه‌ی تعامل و تقابل: دال «تعامل سازنده» در جریان انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۹۲ به عنوان دال مرکزی گفتمان اعتدال کار می‌کرده و اکنون با ظهور برجام، از موقعیت دال مرکزی خارج شده اما همچنان یک دال مهم است. این دال در تقابل با دال «مقاومت» در گفتمان رقیب در معنای کلی ستیزش تمهید شده است. از سوی دیگر برداشت سایه‌ی جنگ و تهدید و ناامنی از کشور نیز از دیگر معانی مستتر در این دال است. گفتمان

^۱. Collocation

محافظه‌کار از دو قطبی فوق (به معنای قرار گرفتن رفاه در مقابل استقلال) می‌ترسد و تلاش زیادی دارد تا از طرح آن ممانعت کند. به باور آن‌ها در دوران پستوافق اگر عده‌ای بخواهند کشور را به سمت دو قطبی ببرند که یک قطبش رفاه و آبادانی و قطب دیگرش استقلال باشد و کسانی که به دنبال رفاه هستند بخواهند استقلال را زیر پا بگذارند، در واقع امنیت ملی را زیر سؤال برده‌اند؛ ضمن اینکه معتقدند این شکاف اجتماعی ساختگی و کاذب است. اما در سال ۱۳۹۵ و با ظاهر شدن نقایص برجام در حیطه‌ی رفع دغدغه‌های اقتصادی مردم، همین دوگانه بر ضد گفتمان رسمی/دولتی به کار گرفته شد. دولت آشکارا در این حوزه (یعنی تبدیل تعلیق تحریم به رفاه که خود پیش‌تر وعده‌اش را داده) فاقد برنامه‌ی مشخصی بود. این گفتمان که پیش‌تر از طریق ایجادنوعی دو قطبی هسته‌ای - معیشت به پیروزی رسیده بود، اکنون خود گرفتار این دو قطبی است. اگر برجام حاصل دو قطبی‌سازی معیشت - هسته‌ای باشد، آنگاه با وجود عدم تحقق دستاوردهای چشمگیر اقتصادی در زندگی مردم به واسطه‌ی برجام، طبعاً این دو قطبی به حاشیه خواهد رفت. بنابراین مقاومت فعال و معیشت در کنار هم (و نه در مقابل هم) قرار دارند.

در اینجاست که رسانه‌های حامی گفتمان رسمی/دولتی صحبت از «برجام ۲» و برجام‌های بعدی می‌کنند. اما با چراغ قرمز حاکمیت مواجه شده و ناچار به همین برجام بسنده می‌کنند. به همین خاطر از اواخر سال ۱۳۹۴ به صورت نامحسوس و در حاشیه‌ی نفی انتظارات کاذب از برجام برمی‌آیند.

دوگانه‌ی انسداد - رونق: گفتمان محافظه‌گرایی به حوزه‌ی گفتمان‌گونگی گفتمان مقابلش توجه ویژه‌ای دارد. برای سال ۱۳۹۵ دال مرکزی این گفتمان با عنوان «انسداد و انجماد» از همین مکان برداشت شده و در کوران واسازی و بازطراحی قرار گرفت و معنای ویژه‌ای پیدا کرد؛ بدین صورت که برجام نمی‌تواند گشایش قابل توجهی در امور کشور ایجاد کرده و لغو تحریم‌ها تأثیر چندانی بر زندگی و معیشت مردم نخواهد داشت. بدین ترتیب است که وقتی گفتمان محافظه‌کار در سال ۱۳۹۵ دال مرکزی «انسداد و انجماد» را به میدان مبارزه می‌آورد، وقته‌های گفتمانی را ذیل همین دال تمهید می‌کند. این دال در سامانه‌ی ۱۳۹۴ نیز وجود داشت اما در سال ۱۳۹۵ با همان معنای قبلی به منزلت دال مرکزی ارتقا می‌یابد. این دال بلافاصله بعد از اجرای برجام در دی ماه ۱۳۹۴ وارد منظومه‌ی گفتمانی این گفتمان می‌شود. از اواخر سال ۱۳۹۴ گزاره‌هایی نظیر عدم بهره‌مندی از مزایای برجام با کلیدواژه‌ی «انتظارات از برجام» به کرات به چشم می‌خورد. به نظر می‌رسد گفتمان محافظه‌کار از کارکرد دوگانه‌ی «انسداد و رونق» همانند

تحریم‌ها ایجاد شده و هرگونه مقاومت در برابر توافق و برجام و تخریب آن، از ناحیه‌ی «کاسبان تحریم» است. این دال در سال ۱۳۹۵ با همین عنوان و با همین رتبه از حیث تکرار وارد منظومه‌ی نشانگانی می‌شود اما وجه سلبی آن به شدت افزایش می‌یابد. این که اگر برجام نبود، چه اتفاقاتی ممکن بود برای کشور پدید آید. اگر قرار باشد برجام در معرض تهدید قرار گیرد، طبعاً باید این مشکل به گردن رقیب بیفتد. لذا این دال از سوی رسانه‌های وابسته به گفتمان رسمی/دولتی در صحنه نگاه داشته شده تا هرگونه معضلات بعدی به هر شکل به آن پیوند بخورد.

این دوگانه‌ی خاص، کاربرد دیگری هم دارد. گفتمان رسمی/دولتی بر وجه سلبی یا همان «تفاوت»ها تأکید می‌ورزد تا به افراد نشان دهد که «چه کسانی نیستند» و در تقابل با چه هویت‌هایی قرار دارند. تأکیدات معطوف آن است که «نبود» برجام چه تبعاتی داشته و اگر برجام «نباشد» هم چه سرنوشتی در انتظار مردم و کشور است. از سوی دیگر گفتمان رسمی/دولتی با این دال عملاً حوزه‌ی را وارد نظام معنایی می‌کند که در حوزه‌ی گفتمان‌گونگی رقیب (یعنی محافظه‌کاری) نوعی بی‌قراری و ازجاشدگی ایجاد کرده است. گفتمان محافظه‌کار همچنان بر مقاومت و ایستادگی تأکید دارد و معتقد است که می‌توان تحریم‌ها را دور زده و ناکارآمد ساخت. گفتمان رقیب هم این دال را به نفع خود مصادره کرده و به آوردگاه گفتمانی می‌کشد. در دوران بعد از سال ۱۳۹۶ گفتمان رسمی/دولتی همچنان چشم امید به حوزه‌ی گفتمان‌گونگی دارد. لذا وقته‌ی مذکور را از سامانه‌ی گفتمانی سال‌های قبل خود برداشته و ضمن بازتعریف، مجدداً از آن با عنوان «افراطیون داخلی» استفاده می‌کند. این دال در حوزه‌ی گفتمان‌گونگی رقیب، عامل «ازجاشدگی» بوده و گفتمان رسمی/دولتی می‌خواهد این ازجاشدگی را همواره فعال نگاه دارد.

دوگانه‌ی اقتصاد و استقلال: یکی از محورهای اصلی در تولیدات رسانه‌ای و فرهنگ‌ی گفتمان محافظه‌کار، تلاش بر رفع دوگانه‌سازی «اقتصاد و استقلال» و یا «مقاومت و رفاه» است. این نگاه از همان دوران رقابت‌های انتخاباتی سال ۱۳۹۲ و با انگاره‌ی معروف حسن روحانی مبنی بر لزوم چرخیدن چرخ سانتریفیوژها به همراه چرخ زندگی مردم ایجاد شد و همواره از سوی رسانه‌های حامی تقویت می‌شده است. گفتمان محافظه‌کار تلاش دارد هرگونه ترجیح اولویت‌های ملاحظات اقتصادی بر ملاحظات سیاسی و امنیتی را به حاشیه برد چرا که به باور آن‌ها مردم به خاطر گلایه‌های اقتصادی، دست از مقاومت و ایستادگی برنخواهند داشت. در کنار آن نیز پتانسیل لازم برای مقاومت هم وجود دارد که با عنوان اقتصاد مقاومتی شناخته می‌شود. گفتمان

می‌کند. از نظر او تمام شکل‌های متن، وجهی از بازی حضور و غیاب است. به بیان دیگر خودآگاهی با ساحت حضور پیوند دارد و ناخودآگاه با ساحت غیاب مرتبط است و اینجاست که «دریدا همواره امکان ساختن و فهم معنای دیگر را جایز می‌شمرد» (شیبانی‌رضوانی، ۱۳۹۳: ۴۲).

بدین ترتیب تعیین هرآنچه از سوی گفتمان رقیب ذیل عنوان «توافق خوب» نامیده می‌شود، در تقابل با منافع و امنیت ملی محقق می‌شود. هر توافقی که آمریکا را خوشحال و راضی نگاه دارد، طبعاً در تضاد با منافع ملی ایران است. دال «توافق بد» با هدف درصحنه نگاه داشتن هرگونه نقایص برجام کاربرد دارد و لذا اهمیت و رتبه‌ی آن در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ تغییر چندانی به خود نمی‌بیند. در سال ۱۳۹۴ مصادیق معنایی هر دو گفتمان در تعریف «بد» و «خوب» با یکدیگر مشابه و ناظر بر چگونگی حفظ دستاوردهای هسته‌ای است اما معنای مترتب بر آن‌ها فرق دارد. گفتمان رسمی/دولتی معتقد است پذیرش حق غنی‌سازی و به رسمیت شناخته شدن آن به واسطه‌ی برجام، مصادیقی از پیشرفت این صنعت است ولی گفتمان رقیب با توسل به عامل حضور و غیاب دریدایی، هرگونه توافق با آمریکا را مشکوک و در راستای تضعیف صنایع هسته‌ای و نظامی و موشکی و دفاعی می‌داند. تأکید گفتمان رسمی/دولتی بر وجه ایجابی و تأکید گفتمان مقابل بر وجوه سلبی است. اما در سال ۱۳۹۵ این دوگانه به شکل استفاده از دال‌های شناور متجلی می‌شود. دال‌های شناور نشانه‌هایی هستند که گفتمان‌های مختلف تلاش می‌کنند تا معنای موردنظر خود را به آن‌ها سنجاق نمایند. لذا مدل‌های ویژه‌ای را به آن نسبت داده و سایر مدل‌ها را از اطراف آن دور می‌کنند. هرچه که برجام به مرز خطر نزدیک‌تر می‌شود، رسانه‌های گفتمان رسمی/دولتی بر شدت و حجم محتوای رسانه‌ای حاکی از حمایت و ارزش برجام از منظر مقامات و سیاستمداران خارجی اضافه می‌کنند. این اقدام از سوی رسانه‌های گفتمان محافظه‌کار به شکل انتشار محتوایی دال بر حمایت از برجام از سوی سیاستمداران آمریکایی و اسرائیلی در دستور کار است. اکنون برجام از منظر گفتمان محافظه‌کار، پدیده‌ای مورد قبول و تأیید اسرائیل و آمریکا است. حال آنکه از منظر گفتمان رسمی/دولتی حاکی از بی‌بدیل بودن آن است. گفتمان رسمی/دولتی که در ابتدا با طرح موضوع چرخش همزمان سانتریفیوژها و چرخ زندگی مردم به قدرت رسیده (دوگانه‌ی اقتصاد/استقلال) اکنون با دال «حفظ ساختار تحریم‌ها» در گفتمان مقابل روبه‌رو شده (دوگانه‌ی انسداد/رونق) و با طرح وقته‌ی مرکزی «رفع تحریم‌ها» و «توافق خوب» به آن پاسخ می‌دهد (دوگانه‌ی توافق خوب/توافق بد).

دوگانه‌ی «رفاه و استقلال» واهمه دارد؛ بدین صورت که معتقد است گفتمان رسمی/دولتی عملاً رفاه را در مقابل استقلال قرار داده و عده‌ای از مردم را طرفدار رفاه و عده‌ای را طرفدار استقلال نشان می‌دهد گو آنکه در این دوگانه قطعاً «رفاه» در صدر اولویت‌های عامه‌ی مردم قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که گفتمان محافظه‌کاری ناچار می‌شود دال‌های دیگری را در راستای تقویت و تأیید این دال به نام‌های «مطلق‌انگاری» یا همان گره‌زدن همه چیز به برجام و «عدم رفع تحریم‌ها» به کار بگیرد. هنگامی که معنای موجود در دال «انسداد و انجماد» تثبیت شود، طبعاً برخی دال‌ها در نظام گفتمانی صرفاً نقش برجسته‌سازی معنای موردنظر و حاشیه‌راندن معنای بدیل را برعهده می‌گیرند که همگی در خدمت دال مرکزی هستند. در سال ۱۳۹۵ این «انسداد و انجماد» است که دیگر نشانه‌ها حول آن مرتب شده و معنای خود را از ارتباط با این نشانه (دال) به دست می‌آورند. برای مثال دال «مطلق‌انگاری» که ناظر بر گره‌زدن همه‌ی امور کشور به برجام است، وقتی در ارتباط با دال مرکزی قرار می‌گیرد، در سال ۱۳۹۴ معنای غفلت از اقتصاد مقاومتی را برجسته کرده و گفتمان رسمی/دولتی با وقته‌ی «رفع تحریم‌ها» به آن پاسخ می‌دهد. حال آنکه در سال ۱۳۹۵ عمدتاً معنای سوءمدیریت دولتی در اداره‌ی امور کشور را برجسته می‌سازد. گفتمان رسمی/دولتی اما سعی دارد آن را به گردن تحریم‌ها در دوره‌های قبلی بیندازد و لذاوقته‌ی کاسیان تحریم به همین منظور تمهید می‌شود.

در سال ۱۳۹۵ تحولات اقتصادی ایران بعد از توافق برجام آنگونه که انتظار می‌رفت گسترده و عمیق نبود (ساجدی و ساجدی، ۱۳۹۸: ۱۴۰). گفتمان محافظه‌کار نیز به طور مداوم بر طبل انتظارات از برجام می‌کوبد و دال مرکزی «انسداد و انجماد» را برجسته می‌سازد. لذا گفتمان رسمی/دولتی دال مرکزی «رفع تحریم‌ها» را به خدمت می‌گیرد. این دال از جمله دال‌های تهی بود که در دولت قبل از آن وجود داشت و بعد از پیروزی در انتخابات مجدداً در سامانه‌ی نشانگانی گفتمان مزبور به خدمت گرفته می‌شود. به زبان نظریه‌ی گفتمان می‌توان اینگونه بیان کرد که گفتمان رسمی/دولتی، خود را در ارتباط با «وقته‌هایی» نظیر تدبیر و امید همگرایی و تعامل سازنده با جهان، رونق کسب‌وکار، نفی رادیکالیسم، آزادی و امثال آن قرار داده است (رضایی‌پناه و شوکتی مقرب، ۱۳۹۴: ۲۰۳).

دوگانه‌ی توافق خوب و توافق بد: دال «توافق بد» یک جور مقابله‌ی گفتمانی با رقیب در برابر دال گفتمانی «توافق خوب» است. در اینجا عامل حضور و غیاب دریدایی نقش سازه‌ی زبانی پیدا می‌کند. دریدا از طریق اهمیت بخشیدن به مفهوم «غیاب» در مفاهیم تقابلی حضور و غیاب، برای عبور از متافیزیک حضور تلاش

واسطه‌ی دوستی و تعامل با خریداران غیر غربی کالاهای تولیدی داخل (سیاست خارجی) را دنبال می‌کند. بدین ترتیب الزامی به تن دادن به خواسته‌های غرب ندارد.

به نظر می‌رسد که این نگاه به اقتصاد مقاومتی چندان مطابق واقعیت نباشد. مطالعه‌ی سلطانی‌فر (۱۳۹۶) که بر روی ۲۳ رسانه متعلق به هر دو گفتمان صورت گرفته نشان می‌دهد که هیچکدام از چالش‌های ۲۳ گانه‌ی ناظر بر گفتمان‌سازی اقتصاد مقاومتی در آن‌ها، دلایل سیاسی ندارد (سلطانی‌فر، ۱۳۹۶: ۲۱۳).

نتیجه‌گیری

پیکار گفتمانی که در این مقاله مورد بحث قرار گرفت، محل برخورد دو حوزه‌ی اجتماعی - سیاسی است که در بستری از جنس زبانی گفتمانی رخ می‌دهد. انجام این مطالعه به رویکردی ترکیبی نیاز دارد که هم سطح خرد (زبان) را بررسی کرده و هم سطح کلان (گفتمانی) را تحلیل نماید. در سطح کلان بر اساس چارچوب نظریه‌ی گفتمانی لاکلاو و موفه به شناسایی و بررسی پیکارهای گفتمانی اقدام شد و در سطح خرد نیز رویکرد دوگانه‌سازی در قالب تحلیل متن با استفاده از دلالت‌ها، مصداق‌یابی‌ها، شیوه‌های برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی از طریق سازوکارهای زبانی مورد بررسی قرار گرفت.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که هر دو گفتمان تلاش دارند تا از طریق راهبردهای دوگانه‌سازی (دو قطبی‌سازی)، سامانه‌ی نشانگانی مختص به خود را ارائه دهند. بدین ترتیب نظام‌های معنایی دو گفتمان مزبور در راستای پیکارهای گفتمانی آن‌ها شناسایی شده و چگونگی فرآیندهای حاشیه‌رانی و برجسته‌سازی در تنازعات گفتمانی پیرامون برجام در عرصه‌ی زبان و گفتمان رسانه‌ای آن‌ها آشکار گردید. همچنین مشخص شد که مفصل‌بندی گفتمان‌ها در متون رسانه‌ای معطوف به بازنمایی دو قطبی از «برجسته‌سازی خود» و «حاشیه‌رانی دیگری» همراه است.

تعداد ۷ دوگانه (دو قطبی) در دو گفتمان رسانه‌ای این پژوهش شناسایی شد. گفتمان رسمی/دولتی برای به چالش کشیدن هژمونی گفتمان رقیب، عناصر و دال‌های موجود در حوزه‌ی گفتمان‌گونه‌ی آن را شکار کرده است. این گفتمان دال‌های تهی نظیر تعامل سازنده با دنیا و یا دال گفتمانی ناظر بر رانت و فساد و سوءمدیریت را به استخدام خود درآورد و معناهای جدیدی را در قالب مدل‌ها و مصادیق جدید به آن‌ها الصاق نمود و بدین ترتیب ضمن مصادره، به «وقته» تبدیل شدند. در حوزه‌ی گفتمان‌گونه‌ی نیز موضوع کاسبی از تحریم در کنار فساد و سوءمدیریت از سوی گفتمان رسمی/دولتی در قالب دو قطبی «شفافیت/رانت» مطرح شده و تلاش دارد هرگونه اقدام در راستای تصویب و اجرای برجام را امری

گفتمان رسمی/دولتی که همه‌ی اعتبار خود را به برجام گره زده آهسته‌آهسته با وجود مشاهده‌ی نقصان امور خصوصاً در بخش پایه‌ای برجام (یعنی مبادلات بانکی)، همچنان وقته‌ی «رفع تحریم‌ها» و «تعامل سازنده» و «توافق خوب» را در صحنه‌ی گفتمانی برجسته‌سازی کرده و در عین حال به این نتیجه می‌رسد که باید انتظارات عمومی از برجام را محدود نماید. به لحاظ زبانی نیز گفتمان رسمی/دولتی همواره نگاه خود به برجام را با عناصر زبانی مثبت و امیدبخش همراه می‌سازد؛ حال آنکه گفتمان مقابل در این خصوص واژگان منفی، تهدیدآمیز و هراسناک به کار می‌برد. در این رابطه یک نوع هم‌آیی در سطح مضمونی در قالب ایجاد دوگانه‌ی فرصت و تهدید مترتب بر برجام مشاهده می‌شود. به باور گفتمان محافظه‌کار برجام اگر فرصتی ایجاد کرده، اما در مقایسه با تهدیدهای برآمده از آن ناچیز است. گفتمان هم‌آورد نیز مشابه این هم‌آیی را در سویه‌ی ایجابی آن دنبال می‌کند بدین صورت که آثار مثبت برجام در مقایسه با آثار نامطلوب آن، بسیار سنگین‌تر است. هر دو گفتمان از این شیوه به دنبال رمزگذاری ارزش‌های مورد نظر خود هستند.

دوگانه‌ی نگاه به بیرون، نگاه به داخل: زنجیره‌های هم‌ارزی هر دو گفتمان با هدف کسب اقبال عمومی قصد دارند نیاز جامعه به موضوع ارتزاق و معیشت را پاسخ داده و لذا دال‌های اقتصادی متعددی را به خدمت سامانه‌ی نشانگانی خود درمی‌آورند. بخش زیادی از محصولات فرهنگی گفتمان محافظه‌کاری در ذیل پارادایم مقاومت، معطوف بر مقایسه تطبیقی رویکرد سازش و مقاومت از حیث تأثیرات اقتصاد بر فرهنگ، سیاست و اجتماع است. این گفتمان به لحاظ عقیدتی قرابت زیادی با راهبرد اقتصاد مقاومتی دارد و لذا عملکرد فعالانه‌تری در حاشیه‌رانی راهبردها، اقدامات، سیاست‌ها و نتایج اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی گفتمان چیره دارد. در یک جمع‌بندی کلی رویکرد سازش خواستار عدم کاهش هزینه‌های دولت و بلکه افزایش آن بواسطه وعده‌های انتخاباتی (سیاست داخلی) است. لذا چاره‌ای جز تأمین درآمد کشور از طریق خام‌فروشی (سیاست اقتصادی) ندارد و به دنبال سازش با خریداران مواد خام است (سیاست خارجی). بدین ترتیب به پیش شرط‌های غرب برای سازش تن می‌دهد. گفتمان محافظه‌کار مدعی است به دنبال کاهش هزینه‌های دولت از طریق پرهیز از وعده‌های مختلف (سیاست داخلی) و جبران کاهش درآمد کشور از طریق ایجاد امکان تبدیل مازاد نفت تولیدی ناشی از تحریم به کالا توسط مردم و اصلاح ساختارهای دولتی و آزادسازی ظرفیت‌های مردمی است (سیاست اقتصادی). از سوی دیگر ایجاد امکان مقاومت در برابر خریداران اروپایی و امریکایی مواد خام به

برآمده از خواست مردم جلوه دهد که خواهان «رونق» در امور زندگی خود هستند. دوگانه‌ی «توافق خوب» در راستای «تعامل سازنده» با دنیا است و دو قطبی «تعامل/تقابل» شکل می‌گیرد که گفتمان رسمی/دولتی دست به شکار دال‌های تهی می‌زند و «رفع تحریم‌ها» به عنوان بزرگ‌ترین «مطالبه‌ی مردمی» با هدف بهبود معیشت و اوضاع اقتصاد و جامعه معرفی شده و دوگانه‌ی «انسداد/رونق» ساخته می‌شود. این مؤلفه‌ها عملاً نظام معنایی گفتمان رسمی/دولتی را مفصل‌بندی می‌کند. گفتمان محافظه‌کار با دال «انسداد» ناشی از عدم گشایش قابل توجه در امور کشور به واسطه‌ی برجام به میدان منازعه‌ی گفتمانی پا می‌گذارد. این گفتمان دو رویکرد کلی در عرصه‌ی سیاسی کشور را با عناوین «سازش» و «مقاومت» معرفی کرده و دوگانه‌ی «مقاومت/سازش» را برجسته می‌سازد که طی آن فقط باور مقاومت به پیشرفت منتهی می‌شود. واژه‌ی اصلی این گفتمان از دوگانه‌ی «رفاه/استقلال» است. اما در سال‌های بعد از برجام و ناتوانی دولت در ایجاد رونق و گشایش‌های اقتصادی، طبعاً این گفتمان کار دشواری در حاشیه‌رانی انگاره‌ی مقاومت - معیشت ندارد. در پارادایم این گفتمان، مقاومت فعال و معیشت در کنار هم (و نه در مقابل هم) قرار گرفتند. برجام در منظومه‌ی معنایی این گفتمان به عنوان یک «توافق بد» با برجسته‌سازی معانی در وجوه سلبی آن همراه است. در دوگانه‌ی «نگاه به بیرون/نگاه به داخل»، هر دو گفتمان به دنبال استخدام دال‌های اقتصادی هستند ولی گفتمان محافظه‌کار به شکل مناسب‌تری از ابزار اقتصاد مقاومتی به نفع خود بهره می‌گیرد. هرچقدر که برجام به روزهای بحرانی خود نزدیک‌تر می‌شود؛ هر دو گفتمان تصمیم می‌گیرند دال‌های شناور را به استخدام خود درآورند.

فهرست منابع

- شبیانی‌رضوانی، فیروزه. (۱۳۹۳). "مفهوم حضور و غیاب در رویکرد
واسازی، خوانشی از آثار نقاشی آیدین آغداشلو"، جستارهای
فلسفی، دوره ۱۰(۲۶)، صص. ۶۳-۳۷.
- کریمی، علی. (۱۳۹۵). "تاملی بر برجام دستاوردهای سیاست
داخلی. در: برجام، سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات"، تهران:
انتشارات مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، صص.
۲۲۲-۲۱۳
- کریمی‌فیروزجایی، علی. و حبیبی، سمیرا. (۱۳۹۷). "تحلیل گفتمان
دیدگاه‌های رهبران ایران و آمریکا درباره‌ی برجام"، جستارهای
سیاسی معاصر، دوره ۹(۴)، صص. ۱۵۳-۱۳۳.
- کسریایی، محمدسالار. و پوزش‌شیرازی، علی. (۱۳۸۸). "نظریه‌ی
گفتمان لاکلا و موفه ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های
سیاسی"، فصلنامه‌ی سیاست مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی؛
دوره ۳۹(۳)، صص. ۳۶۰-۳۳۹.
- کلانتری، صمد. و همکاران. (۱۳۸۸). "تحلیل گفتمان، با تأکید بر
گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی"، مجله
جامعه‌شناسی، دوره ۱(۴)، صص. ۲۸-۷.
- کلانتری‌دره‌رنجی، محمدحسین. (۱۳۹۵). "تحلیل گفتمان انتقادی
برنامه‌ی جامع اقدام مشترک در عناوین برگزیده‌ی روزنامه‌های
داخل در سال ۱۳۹۴ بر اساس الگوی ون‌لیون"، پایان‌نامه‌ی
کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان،
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی.
- کوثری، مسعود. و مولایی، محمدمهدی. (۱۳۹۱). "گونه‌شناسی
گفتمان‌های موسیقی رب ایرانی فارسی"، فصلنامه انجمن ایرانی
مطالعات فرهنگی و ارتباطات، دوره ۸(۲۹)، صص. ۱۱۶-۹۱.
- کوهن، تامس. (۱۳۶۹). "ساختار انقلاب‌های علمی"، مترجم: احمد
آرام. تهران: انتشارات سروش.
- لاکلانو، ارنستو. و موفه، شانتال. (۱۳۹۲). "هژمونی و استراتژی
سوسیالیستی"، مترجم: محمد رضایی. تهران: نشر ثالث.
- مظفری، زهرا. (۱۳۹۶). "تحلیل زبان‌شناختی بازتاب برجام در
گفتمان‌های رقیب بر اساس رویکرد انتقادی فرکلاف"، فصلنامه‌ی
مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران، دوره ۵(۱۹)، صص. ۸۰-۶۳
مقدمی، محمدتقی. (۱۳۹۰). "نظریه‌ی تحلیل گفتمان لاکلا و
موف و نقد آن"، نشریه‌ی معرفت فرهنگی‌اجتماعی، دوره ۲(۲)،
صص. ۱۲۴-۹۱.
- Howarth, D. (2000). "Discourse", Open University Press, Philadelphia.
- Howarth, D. & Stavrakakis, Y. (2000). "Introducing Discourse Theory and Political Analysis", In: David Howarth, Alleta Norval
- اربابی، قاسم. (۱۳۹۶). "آسیب‌شناسی و نقش رسانه‌های جمعی در
تبلیغات دوازدهمین دوره‌ی انتخابات ریاست جمهوری ایران"،
فصلنامه‌ی مطالعات منافع ملی، دوره ۳(۹)، صص. ۸۳-۱۰۱.
- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۷۲). "پارادایم و جامعه‌شناسی"، نامه‌ی علوم
اجتماعی، دوره ۳(۶)، صص. ۵۱-۲۹
- پناهی، ثریا. (۱۳۸۱). "فرآیند باهم‌آیی و ترکیبات باهم‌آیند در زبان
فارسی"، نامه فرهنگستان، دوره ۵(۳)، صص. ۲۱۱-۱۹۹.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۹۸). "سه خطر در کمین اصلاحات"،
مصاحبه‌ی روزنامه‌ی همشهری؛ هفتم مهر ۱۳۹۸
- حجت‌شمامی، رضا. (۱۳۹۷). "تضاد ایده‌ها، بررسی تطبیقی
رویکردهای مقاومت و سازش به تحولات منطقه"، تهران:
مؤسسه‌ی مطالعات اندیشه‌سازان نور.
- حسینی‌زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۳). "نظریه‌ی گفتمان و تحلیل
سیاسی"، فصلنامه‌ی علوم سیاسی، دوره ۷(۴)، صص. ۲۱۲-۱۸۱.
- خوبی، سیدمحمد. (۱۳۹۵). "تحلیل طبقاتی با رویکرد نظریه‌ی
گفتمان لاکلاو و موف، بررسی گفتمان جمهوری اسلامی در قبال
طبقه‌ی متوسط مدرن شهری از ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۲"، مطالعات
جامعه‌شناختی، دوره ۲۳(۱)، صص. ۲۳۶-۲۱۵.
- داوودی، علی‌اصغر. (۱۳۸۹). "نظریه‌ی گفتمان و علوم سیاسی"،
فصلنامه‌ی مطالعات سیاسی، دوره ۲(۸)، صص. ۷۴-۵۱.
- دهقانی‌فیروزآبادی؛ سیدجلال. (۱۳۹۳). "گفتمان اعتدالگرایی در
سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه سیاست
خارجی، دوره ۲۸(۱)، صص. ۳۹-۱.
- رسولی، محمدرضا. (۱۳۹۶). "چرخش‌های روش‌شناسی در
پژوهش‌های ارتباطی رسانه‌ای"، در: مطالعات رسانه‌ها، دانشکده
علوم ارتباطات و مطالعات رسانه‌ها دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.
رضایی‌پناه، امیر. و شوکتی‌مقرب، سمیه. (۱۳۹۴). "هویت، گفتمان
و انتخابات در ایران"، تهران: نشر نویسه پارس.
- رفعتی، مرضیه. و همکاران. (۱۳۹۷). "موضع‌گیری رسانه‌های
جریان اصلی در جامعه‌پذیری برجام (روزنامه‌های کیهان،
همشهری و اعتماد)"، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره
۹(۴)، صص. ۶۰-۳۵.
- ساجدی، امیر. و ساجدی، سیناز. (۱۳۹۸). "خروج آمریکا از برجام و
تلاطم در اقتصاد ایران"، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره
۱۲(۴۶)، صص. ۱۵۵-۱۲۳.
- سلطانی، سیدعلی‌اصغر. (۱۳۸۴). "قدرت گفتمان و زبان، سازوکارهای
جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران"، تهران: نشر نی.

- and Yannis Stavrakakis, *Discourse Theory and Political Analysis, Identities, Hegemonies and Social Change*, (PP. 1-23). Manchester University Press.
- Jorgensen, M. & Philips, L. (2002). "Discourse Analysis as theory and method", London: Sage publications.
- Laclau, E. and Mouffe, C. (1985). "Hegemony and Socialist Strategy, Toward a Radical Democratic Politics", London: Verso Publication.
- Laclau, E. & Mouffe, C. (1987). "Postmarxism Without Apologies", *New Left Review*. Vol. 166, PP. 79-106.
- Laclau, E. (1990). "New Reflections On Revolution Of Our Time", London: Verso Publications.
- Laclau, E. (1996). "Emancipation(s)", London: Verso publications.
- Laclau, E. (2005). "On Populist Reason", London: Verso.
- Van Dijk, T. (2015). "Critical Discourse Analysis", In: Deborah Tanen, *Handbook of Discourse Analysis*, Vol. 1, PP. 466-485. Oxford: Bloomsbury Publishing.

Dual paradigms in Barjam media discourses

Pooya Nematollahi, Mohammadreza Rasouli, Seyedmahmoud Nejati Hosseini

Abstract

Based on Laclau and Mouffe's Discourse Theory, this study provides semantic systems of JCPOA-related discourse in the form of "Official / state" and "Conservative" discourse and their discursive battles, while Foregrounding / Backgrounding in field of language and media discourses through Dichotomous Paradigms.

Contents of six media outlets were assessed in Persian calendar 1394 till 14th Aban1397. The field of research is divided to Micro and Macro levels. In Macro, Discourses are analyzed on base of Laclau and Moufeh's Discourse Theory. In Micro, Text Analysis is held on base of Dichotomy as Seperated semiosis system.

Seven dichotomous were recognized. The articulation of both discourses in media content engross of dichotomized representation of "foregrounding self" and "backgrounding the other".

Official/State discourse takes "sanction lift" moment along with "good deal / bad deal" and also Foregrounding of "Transparency / Rent". This discourse tries to articulate its meaning system through Empty Signifiers.

Conservative discourse defines Ideological discursive moments and focus its Nodal Points on Antagonistic relations in order to break its competitor's hegemonic domination of "Constructive interaction" and "Interaction / Confrontation".

Both discourse employ signifier in rival's Field of Discursivity, for creating dichotomy, as well as employing floating signifiers after threat of JCPOA.

Keywords: Discourse Theory, JCPOA (Jonit Comprehensive Plan of Action), Dichotomy, Paradigm, Foregrounding and Backgrounding.